

رسالة محمد



نام درس:

نظام تربیتی از منظر قرآن و
روایات

• مدرس:

• خدیجه افشین (پردیس
رسالت زاهدان)

• سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹

بررسی لغوی واژه تربیت

دیدگاههای متفاوتی در باب ریشه تربیت مطرح است:

۱- تربیت از ریشه {ربو} گرفته شده که معنای زیادی و فراوانی می دهد و بیشتر ناظر به بعد جسمی و ظاهری قابل رویت است و بر همین مبنا آیه « قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا » به همین بعد توجه دارد.

۲- معنای تهذیب نیز از این واژه اراده می شود که حذف کردن صفات و ویژگی های منفی و رذایل اخلاقی را هدف می داند.

۳- تربیت از ریشه (ر ب ب) که معنای **مالکیت و تدبیر** می دهد و به این موضوع توجه می دهد، کسی که مالک و صاحب اختیار است همان نیز مدبّر و متصرّف می باشد. **این معنای پذیرفته شده در اسلام است و می رساند که؛ تدبیر فرع بر مالکیت است و «رب» هم مالک است و هم مدبّر.**

لکن آنچه در اسلام اهمیت دارد نکته مهم این است که آیا می توان هر زیادی را موجه و مشروع دانست؟

تفاوت «ربا» با افزایش های مشروع نظیر برکت در این است که در ربا افزایش عینی مدنظر است که بر اصل مال صورت می گیرد لکن برکت در مال، از جهت معنوی می باشد.

سوال: هدف از ارسال پیامبران چه بود؟ آیا معرفی خداوند را می خواستند؟

چالش عدم پذیرش خداوند از سوی مشرکان چه بود؟

طبق آیات قرآن، انسانها در معنای عام اعتقادی، خداوند را به عنوان خالق می شناختند و قبول دارند به عبارت دیگر؛ شکی در پذیرش خالق بودن خداوند وجود ندارد بلکه در مدبر بودن خداوند دچار تشکیک هستند و آن را میان سایر مخلوقات نظیر ماه، خورشید و ... تقسیم می کنند.

نکته: خالقیت و ربوبیت جدایی ناپذیرند. زیرا همان که خالق است مالک و مدبر باید باشد. لذا آیه «لئن سألهم من خلق السموات و الارض ليقولن الله» بر این مطلب اشاره دارد.

بررسی الفاظ «وقار» و «اطوار» :

وقار به معنای **استحکام و استواری** است و **اطوار** افاده **دگرگونی** می کند. در خلقت خداوند، وقار نظر به **ثبات در ربوبیت** دارد و **اطوار** به **حالت‌های آفرینش انسان** می پردازد.

حضرت ابراهیم را می توان نمونه ای از **تبیین ربوبیت** به شمار آورد و نمرود را در نقطه مقابل این دیدگاه دانست. بر همین مبنا لفظ «**حنیفاً**» در آیه «انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً» بر **ربوبیت بی رقیب الهی** اشاره دارد و آیه «اذ قال ابراهیم ربی الذی یحیی و یمیت...» که زبان نمرود بیان شده، بر شرک در ربوبیت الهی می پردازد.

دعوت پیامبر(ص) نیز در راستای تثبیت ربوبیت خداوند بوده است که برخی افراد شریکی در افعال برایش قرار ندهند زیرا بسیاری از فرقی که در اجتماع انسانی شکل گرفت به دلیل اختلاف اعتقادی در ربوبیت و کارگردانی امور نظام طبیعت بوده است.

تربیت در اصطلاح:

شناخت خداوند به عنوان تنها ربّ انسان و جهان و برگزیدن و پذیرفتن او به عنوان ربّ خویش و تن دادن به ربوبیت او و نپذیرفتن ربوبیت غیر از خداوند.

عناصر و مولفه های تعریف فوق:

- ۱- شناخت: یعنی چرایی پذیرش ربوبیت منحصر خداوند.
- ۲- انتخاب: بعد از شناخت انسان، نوبت به گزینش می رسد و آیه «انّ هذه تذکره فمّن الی ربه سیلاً» به مقوله انتخاب اشاره دارد.
- ۳- عمل: شناخت شاء و انتخابی که به مرحله کاربرد و اجرا نرسد، ارزش کامل و کافی ندارد زیرا در این مرحله خمیرمایه و نیّات افراد به ظهور می رسد.

بررسی واژگان « ربّی » و « ربّانی »

وجه اشتراک آنها این است که در هردو انتساب به « ربّ » وجود دارد لکن این وجه در « ربّانی » غلیظتر است.

ربّی = شاگرد و متربی / ربّانی = استاد و مربی / ربیّون = پیروان پیامبران

در نتیجه؛ مفاهیمی همچون، الفاظ پیش گفته را بهتر است که از ریشه « ر ب ب » دانسته شود نه از ریشه « ر ب و » .

مهمتر اینکه؛ مقصود مرّبی از تربیت، ربوبی ساختن متربی می باشد.

تمثیل تربیت

تربیت به چه امری توصیف و مثال زده می شود؟ به عبارت دیگر؛ علت بکارگیری تمثیل در تربیت چیست؟

تعریف تمثیل: صورتی از اندیشیدن و یا شکلی از سخن گفتن که در آن میان دو چیز، همانندی وجود دارد.

ثمربخش ترین راه در افاده یک رفتار در سایر افراد، استفاده از روش تمثیل است زیرا انس ذهنی و ارتباط محسوس در فرد مخاطب ایجاد می کند بعلاوه؛ مطالب گسترده را بصورت موجز و خلاصه به طرف مقابل انتقال می دهد.

ثمره تمثیل در بعد تربیتی

تغییر ذهنی یا روانی یا اجتماعی معین که مورد نظر گوینده و یا مربی است.

تمثیل تربیت در قرآن

در قرآن، برای **تربیت از «صناعت» و «رشد یا رویاندن»** مثال ذکر شده است. در صنعت، انسان را به ساختن یک شیء مثل صندلی، نزدیک کرده اند و در رشد به مراقبت و نگهداری از یک گیاه لکن این تمثیل ها مورد نظر و تایید قرآن برای تربیت انسان نبوده است.

آدمی بسان یک شیء نیست که بتوان هر شکلی که به او داد در همین راستا خداوند بلعم باعورا، را مثال می زند که اگر تنها خواست خداوند بود، او را برتری می داد اما خواست انسان هم در کنار خواست الهی، سرنوشت آدمی را تعیین می کند.

آدمی مانند گیاه نیست که تنها با مراقبت در امور عینی، بتوان او را به مراحل اعلا رسانید.

نمونه هایی از تمثیل های قرآن

خداوند، انفاق منافق را مانند بادی می داند که در سرما بر کشتزاری می وزد و آن محصولات را تباه و نابود می کند.

در برخی تمثیل ها، خداوند از انسان وارگی یاد کرده است. علت استفاده از این نوع تمثیل نیز ناتوانی در بیان مراحل تربیت آدمی است. لذا بر پیکره اشیاء، لباس یا نمادی از انسان پوشانده می شود تا گویاتر شوند.

گاهی، انسان به انسان تمثیل زده می شود تا تفاوت در بینش، تفکر و عملکرد را نشان دهد مانند دو انسان که یکی دارای اختیار، آزاد و توانا است و دیگری ناتوان و زیردست.



از حسن توجه شما سپاسگزارم